

بررسی شاخص‌های روانسنجی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف در دانش‌آموزان دبیرستانی مدارس تیزهوشان: پایایی، روایی و ساختار عاملی

سمیه ساداتی فیروزآبادی^{۱*}، قوام ملتفت^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) در دانش‌آموزان دبیرستانی مدارس تیزهوشان بوده است. روش تحقیق از نوع همبستگی بود. یک گروه نمونه به حجم ۳۲۲ دانش‌آموز (۱۶۲ دختر و ۱۶۰ پسر) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای در دبیرستان‌های مدارس تیزهوش شهر شیراز انتخاب شدند که مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) را تکمیل کردند. پس از تکمیل مقیاس توسط گروه نمونه، محتوای مقیاس به شیوه تحلیل عاملی و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور بررسی پایایی آزمون از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی استفاده شد. نتایج همسانی درونی برای ۳ مؤلفه هدفمندی، رشد شخصی و تسلط بر محیط با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ضرایب ۰/۹۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۹ بدست آمد. همچنین پایایی این مقیاس با شیوه دوباره‌سنجی بر روی یک گروه ۳۰ نفری با فاصله زمانی ۱۵ روز محاسبه شد که نتایج دامنه همبستگی بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ را برای مولفه‌های بهزیستی بدست داد که این نتایج حاکی از پایایی مقیاس مذکور است. نتایج تحلیل عاملی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف که در ایران بر روی دانش‌آموزان دبیرستان‌های مدارس تیزهوش شهر شیراز انجام شد، نشان داد که با حذف ۳۰ آیتم، ۶ مولفه به ۳ مولفه تقلیل یافت. در مجموع نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ۳۶/۳۹ درصد

۱. * استادیار گروه آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه شیراز، somayehsadati@shirazu.ac.ir

۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یاسوج

واریانس مقیاس توسط این سه عامل تبیین شده است. با توجه به بار عاملی گویه‌ها مقیاس مذکور از روایی مناسبی برخوردار است. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف دارای پایایی و روایی مناسبی است.

واژگان کلیدی: بهزیستی روانشناختی، پایایی، روایی، ساختار عاملی، تیزهوش

مقدمه

دانش‌آموزان تیزهوش گروه ناهمگونی هستند که دارای استعدادها و توانایی متنوعی هستند. آنها علاوه بر این ناهمگونی‌ها در خود در حیطه‌های عاطفی، فیزیکی و شناختی نسبت به همسالان عادی خود از برجستگی بالاتری برخوردار هستند (بتس و نیهارت^۱، ۱۹۸۸). با توجه به توانمندی بالای این افراد که می‌توانند برای اجتماع مفید واقع شوند، شناخت ویژگی‌های عاطفی، اجتماعی و سلامت روان آنها، می‌تواند تسریع دهنده هرچه بیشتر شکوفایی استعداد آنها شود. در این راستا یکی از مسایل مهم برای تسریع این امر مهم که در حیطه روانشناسی اخیراً روی آن متمرکز می‌شوند، مساله سلامت روان و بهزیستی آنها می‌باشد.

بهزیستی یکی از سازه‌های مدرن روانشناسی قرن اخیر است که از دو واژه well یعنی «خوبی و برخورداری از ویژگی مطلوب» و واژه being به معنای «وجود، بودن و هستی» تشکیل شده است (سیمونتون و بیومیستر^۲، ۲۰۰۵). بهزیستی کیفیتی از زندگی است که به‌رغم تلاش‌های گسترده برای تبیین و تعریف بهزیستی، باز هم در ارائه تعریف روشن از این سازه، توافق اندکی بین مولفان وجود دارد (سلیگمن، زولو، اوتینگن و پیترسون^۳، ۱۹۸۸). با این وجود تعریف مورد قبول از بهزیستی، تعریف ریان و دسی^۴ (۲۰۰۶) و ریف^۵ (۱۹۸۹) می‌باشد که بهزیستی را به عنوان تجربه کردن عملکرد بهینه تعریف می‌کنند. یعنی کسی که

1. Betts & Neihart
2. Simonton & Baumeister
3. Seligman, Zullow, Oettingen & Peterson
4. Ryan & Deci
5. Ryff

خوب زندگی می‌کند احساس رضایت دارد، در ارتباط با محیط، هدفمند عمل می‌کند و به دنبال شکوفایی قابلیت‌های خود می‌باشد.

بهزیستی انواع مختلفی دارد که عبارتند از: بهزیستی ذهنی، هیجانی، اجتماعی، معنوی و بهزیستی روان‌شناختی. پژوهش حاضر به بررسی بهزیستی روانشناختی پرداخته و خواستار بررسی پایایی و روایی مقیاس ریف (۱۹۸۹) که این نوع بهزیستی را مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، است. از افراد اثرگذار در حیطه بهزیستی روانشناختی ریف و سینگر^۱ (۲۰۰۶) می‌باشند. ریف (۱۹۸۹) با مرور ادبیات پژوهشی در این زمینه و با الهام از روانشناسان انسانگرا و با نگاه تحولی به مفاهیم خود شکوفایی مازلو، پختگی آلپورت، تعالی یونگ به معرفی بهزیستی روانشناختی پرداخته است. از نظر وی بهزیستی روانشناختی تلاش برای شکوفایی کردن قابلیت‌ها و جود انسان است. اسنایدر و لوپز^۲ (۲۰۰۲) معتقدند شادی و بهزیستی مترادف با هم نیستند، بلکه بهزیستی ترکیبی از شادی و یافتن معنا در زندگی است. در این دیدگاه، نگرانی درباره معنا و هدف زندگی یکی از ویژگی‌های متمایز بشر به عنوان موجود متفکر و جستجوگر مطرح شده است. چرا که موجودات دیگر، مسیر زندگی را از ابتدا تا انتها بدون چرایی طی می‌کنند. اما این انسان است که میل قوی برای درک معنای زندگی و دنیای اطراف خود دارد و به منظور حمایت از این میل، فعالیت‌های رفتاری و شناختی متنوعی را انجام می‌دهد (ریف و سینگر، ۱۹۹۸؛ ریونی^۳ و ریف (۲۰۱۶)؛ اسدپور و حسین چاری، ۱۳۸۹). بدین صورت افراد برای تجربه بهزیستی واقعی علاوه بر شاد بودن، نیاز دارند به مقوله‌های هدفمندی و داشتن معنا، در زندگی نیز توجه نمایند. افراد با بهزیستی روان‌شناختی بالا از زندگی وجودگرایانه برخوردارند و پیوسته در تلاش‌اند که به رشد شخصی برسند و قابلیت‌های خود را شکوفا نمایند (لوپز و مکنایت^۴، ۲۰۰۲).

1. Singer
2. Snyder & Lopez
3. Ruini
4. Mcknight

تحقیقات مختلف از جمله سالدو و هیوینر^۱ (۲۰۰۴) الف و ب؛ کیم، استرچر^۲ و ریف، (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که بهزیستی روانشناختی پایین با نشانگان افسردگی، رفتارهای خشونت‌گرا و مشکلات اجتماعی و روان‌شناختی مانند خودکشی، تفکرات خودکشی، عزت نفس پایین و روابط شکننده بین فردی در ارتباط است. در صورتی که بهزیستی روانشناختی بالا از زندگی عامل مهمی برای رشد، حفظ سلامت و پیشگیری از بسیاری از اختلالات روانشناختی است.

در این راستا ریف (۱۹۸۹) برای بهزیستی روانشناختی ۶ مولفه را در نظر می‌گیرد که این مولفه‌ها عبارتند از: ۱- پذیرش خود^۳ (قبول جنبه‌های متفاوت خود و داشتن نگرش مثبت به خود، زندگی و گذشته خویش) ۲- روابط مثبت با دیگران (توانایی دوست داشتن، روابط گرم و مورد اعتماد با دیگران و توانایی همدلی نشان دادن) ۳- استقلال^۴ (فعالیت و عمل بر اساس معیارهای شخصی و توانایی ایستادگی در برابر فشار اجتماعی) ۴- تسلط بر محیط^۵ (توانایی خلق یا انتخاب محیط با توجه به شرایط روانی فرد و کنترل فعالیت‌های بیرونی) ۵- هدفمند بودن^۶ (داشتن هدف در زندگی و یافتن معنا در زندگی) ۶- رشد شخصی^۷ (احساس رشد دائمی و تلاش برای نشان دادن قابلیت‌های وجودی در انسان). ریف عملکرد افراد را در بهزیستی روانشناختی با بهزیستی ذهنی در شش بعد (تعادل عاطفی، رضایت از زندگی، عزت نفس، منبع کنترل، افسردگی و اضطراب) مورد مقایسه قرار داد و به این نتیجه رسید که در شاخص بهزیستی روانشناختی، مولفه‌های مانند روابط مثبت با دیگران، استقلال، هدفمندی و رشد شخصی دیده می‌شود که در بهزیستی ذهنی دیده نمی‌شود. در کل وی به این نتیجه رسید که بهزیستی روانشناختی فراتر از بهزیستی هیجانی و ذهنی است و به بیان دیگر شاخص‌های

1. Suldo & Huebner
2. Strecher
3. self- acceptance
4. Autonomy
5. Environment mastery
6. Purpose in life
7. Personal growths

بهزیستی روانشناختی شکافی که برای در نظر گرفتن سلامت توسط بهزیستی ذهنی وجود دارد را پر می‌کند.

مقیاس بهزیستی روانشناختی، مقیاسی خودگزارشی^۱ است نخستین بار در سال ۱۹۸۹ توسط ریف ساخته شد. بهزیستی از نظر وی دارای شش مولفه به نام‌های: پذیرش خود، استقلال، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. به همین دلیل ریف به طراحی مقیاسی پرداخته که این شش مولفه را در ۱۲۰ گویه می‌سنجد و هر مولفه دارای ۲۰ گویه است. علاوه بر فرم بلند، فرم کوتاهتر ۸۴، ۴۲ و ۱۸ گویه‌ای این مقیاس نیز در دست است که در مطالعه حاضر از فرم ۸۴ سوالی آن استفاده شده است. ریف و سینگر (۲۰۰۴، ۲۰۰۶) در مطالعات متعدد وجود شش مولفه را تایید کرده‌اند. همچنین وی به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس، همبستگی آن را با شاخص‌های عواطف مثبت و عواطف منفی به منظور بررسی روایی همگرا و واگرا مورد بررسی قرار داد که نتایج نشان داد این مقیاس با عواطف مثبت همبستگی مثبت و با عواطف منفی همبستگی منفی دارد که این نیز خود دلیلی بر روایی این مقیاس است. ریف (۱۹۸۹، ۱۹۹۵، ۲۰۰۶) در مطالعات خود با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی آزمون را مناسب گزارش داده؛ بدین صورت که دامنه ضرایب ۰/۷۲ تا ۰/۸۹ را برای مولفه‌های بهزیستی به دست داده است. همچنین همبستگی متقابل بین شش بعد دامنه‌ای از ۰/۳۲ تا ۰/۷۴ به دست آمده که نشان می‌دهد رشد شخصی با هدفمندی در زندگی، و تسلط بر محیط با پذیرش خود همبستگی بالاتری دارند. با وجود این ریف (۱۹۹۵، ۱۹۸۹، ۲۰۰۴) با تحلیل عاملی نشان داده است که مدل شش عاملی نسبت به مدل دو عاملی یا سه و چهار عاملی برازش بهتری با داده‌ها دارد. وی همچنین در تحلیل عامل مرتبه دوم نیز به یک عامل کلی دست یافت که دارای شش مولفه می‌باشد. ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس توسط پژوهشگران متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است که با مرور این ادبیات پژوهش می‌توان متوجه شد که بین طرفداران شش عاملی و کسانی که باور داشتند این مقیاس شش عامل را نمی‌سنجد، دایماً مناقشاتی وجود داشته و

1. Self-report

این مناقشات منجر به ارایه مقاله‌های پاسخ و جواب در سال‌های متوالی شده است. به این صورت که نتایج پژوهش‌های کافکا و کوزما^۱ (۲۰۰۲)، ون دیرندورک^۲ (۲۰۰۴) و چنگ و چان^۳ (۲۰۰۵) نتوانستند برازش مدل مورد نظر ریف را تأیید کنند و در آنها ثبات درونی آزمون پایین بود. برنز و ماچین^۴ (۲۰۰۹) در مطالعه خود با بهره‌گیری از تحلیل عاملی تأییدی اعتبار مقیاس را مورد بررسی قرار داد که نتایج حاکی از هماهنگی درونی بالای آن بود. ولی یافته‌های تحلیل عاملی ۳ بعد از ۶ بعد را تأیید کردند. در ایران نیز ملتفت (۱۳۹۰) پایایی و روایی نسخه ۸۴ سوالی را بر روی دانش‌آموزان بررسی کرد که نتایج حاکی از پایایی و روایی مطلوب مقیاس بود. با این تفاوت که به جای تأیید ۶ مولفه، ۴ مولفه تأیید شد. به طور کلی پژوهش‌های متعدد پایایی و روایی مطلوبی از این مقیاس گزارش داده بودند (ریف و سینگر، ۲۰۰۶؛ پاتریک^۵ و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسپرینگر و هایوسر^۶، ۲۰۰۵؛ برنز و ماچین، ۲۰۰۹؛ ملتفت، ۱۳۹۰).

با وجود پایایی و روایی مطلوب این مقیاس، بین پژوهشگران درباره تعداد مولفه‌های این مقیاس، دائماً مناقشاتی وجود داشته و این مناقشات منجر به ارایه مقاله‌های پاسخ و جواب در سال‌های متوالی شده است. همچنین ذکر این نکته لازم است که برای بررسی بهزیستی روانشناختی نیاز به مطالعات بین‌فرهنگی می‌باشد. چرا که فرهنگ بر روی رشد شناختی، هیجانی و اجتماعی دانش‌آموزان و سلامت آنها در خانه و مدرسه اثر می‌گذارد. از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند که آنها را از دانش‌آموزان عادی جدا می‌کند، گاهی از ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی این افراد می‌تواند باعث تدارک برنامه‌ای موثر برای آنها شود. لذا با توجه به مباحث ذکر شده، بررسی ویژگی‌های روانسنجی این ابزار مبتنی بر بافت ایرانی در افراد تیزهوش امری ضروری است، زیرا اگر ابزار از مشخصه‌های مطلوب برای سنجش بهزیستی برخوردار نباشد، نتایج بدست آمده از لحاظ

1. kafka & kozma
2. Van Dierendonck
3. Chang & Chan
4. Burns & Machin
5. Patrick
6. Springer & Hauser

علمی قابل اتکا نیست. لذا پژوهش حاضر به بررسی پایایی و روایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) در دانش‌آموزان تیزهوش شهر شیراز پرداخته است.

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان تیزهوش دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس تیزهوشان سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ شهر شیراز بودند. با توجه به تعداد مسیرها و نیاز به حجم نمونه بالا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۳۴۰ دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا پیش‌دانشگاهی انتخاب و مورد پرسشگری قرار گرفتند. شیوه کار بدین صورت بود که از میان چهار دبیرستان (متوسطه دوم) شهید دستغیب، دو مدرسه و از میان چهار دبیرستان (متوسطه دوم) فرزندگان، دو مدرسه انتخاب شد و در هر مدرسه سه کلاس انتخاب شد. پرسش‌نامه‌های مذکور به صورت گروهی به تمام دانش‌آموزان ۱۲ کلاس که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، داده شد. قبل از توزیع پرسش‌نامه‌ها، درباره نحوه پاسخ‌دهی به سؤال‌ها، هدف پژوهش و ضرورت همکاری صادقانه آنها توضیحاتی داده شد. علاوه بر این به افراد اطمینان داده شد که جواب‌های آنان محرمانه تلقی خواهد شد. کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش به مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) پاسخ دادند ولی از میان ۳۴۰ دانش‌آموز، تعداد ۳۲۲ پرسشنامه به شکل کامل تکمیل گردید و ۱۸ پرسشنامه به دلیل نداشتن اطلاعات کامل حذف شدند و در نهایت ۳۲۲ پرسشنامه وارد مرحله تحلیل داده‌ها شدند. پس از تکمیل مقیاس توسط گروه نمونه، محتوای مقیاس به شیوه تحلیل عاملی و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی. مقیاس بهزیستی روان‌شناختی، مقیاسی خودگزارشی است که در آن آزمودنی‌ها به تعدادی سؤال‌ها در مورد خودشان، پاسخ می‌دهند که این پاسخ‌ها در قالب مقیاس لیکرت شش درجه‌ای می‌باشند. این مقیاس نخستین بار در سال ۱۹۸۹ توسط ریف ساخته شد. بهزیستی از نظر وی دارای شش مولفه به نام‌های: پذیرش خود، استقلال، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. به همین دلیل ریف به طراحی مقیاسی پرداخته که این شش مولفه را در ۱۲۰ گویه می‌سنجد و هر

مؤلفه دارای ۲۰ گویه است. علاوه بر فرم بلند، فرم کوتاهتر ۸۴، ۴۲ و ۱۸ گویه‌ای این مقیاس نیز در دست است که در مطالعه حاضر از فرم ۸۴ سوالی آن استفاده شده است (ملفت، ۱۳۹۰). میزان آلفای کرونباخ در مطالعات بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۹ گزارش شده است. همچنین نتایج تحلیل عاملی نیز گویا ۶ عامل می‌باشد.

نتایج

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های دختران و پسران در ابعاد مقیاس را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار ابعاد مقیاس در دختران و پسران

متغیر	میانگین		انحراف معیار		تعداد
	دختران	پسران	کل	دختران	
هدفمندی	۱۰۵/۲۷	۱۰۷/۸۱	۱۰۶/۵۳	۱۶/۹۴	۱۶۲
روابط مثبت با دیگران	۳۳/۰۱	۳۲/۳۳	۳۲/۶۷	۶/۸۵	۱۶۲
تسلط بر محیط	۳۳/۰۲	۳۱/۸۶	۳۲/۴۵	۳/۹۶	۱۶۲

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود میانگین مشارکت کنندگان در پژوهش به صورت کلی و به شکل تفکیک جنسیتی آورده شده است. یافته‌های این جدول تصویر روشنی از عملکرد مشارکت کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد. جهت بررسی روایی نسخه فارسی بهزیستی روانشناختی قبل از تحلیل عاملی لازم بود وجود رابطه هم خطی چندگانه بین مؤلفه‌های مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور در جدول ۲ نتایج همبستگی بین مؤلفه‌ها آمده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی

متغیرها	۱	۲	۳
۱- هدفمندی	۱		
۲- روابط مثبت با دیگران	۰/۳۹°	۱	
۳- تسلط بر محیط	۰/۳۸°	۰/۱۹°	۱

$P < 0/01^*$

همانطور که ملاحظه می‌شود، همبستگی بین مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی دامنه ۰/۱۹ تا ۰/۳۹ را نشان می‌دهد که همگی کمتر از ۰/۸۰ می‌باشد. لذا رابطه هم خطی چندگانه وجود ندارد. بنابراین انجام تحلیل عاملی قابل دفاع است. در پژوهش حاضر به منظور تعیین روایی مقیاس، از روش تحلیل عاملی به شیوه مؤلفه‌های اصلی استفاده گردید. این روش، از جمله روشهای اکتشافی در تحلیل عاملی به شمار می‌رود و هدف از این نوع تحلیل تعیین ساختار عاملی موجود در مقیاس می‌باشد. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری برابر با ۰/۹۱ و همچنین مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کروییت بارتلت برابر با ۱۱۱۲۰/۰۴ و در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود، که نشانگر کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی می‌باشد. نتایج تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی، با توجه به نمودار اسکرین، وجود سه عامل در مقیاس تأیید شد که نتایج حاصل از تحلیل عاملی و بار عاملی گویه‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی مقیاس بهزیستی روانشناختی

شماره گویه	عامل ۱: هدفمندی	عامل ۲: روابط مثبت با دیگران	عامل ۳: تسلط بر محیط
۵	۰/۵۰		
۶	۰/۵۹		
۱۲	۰/۶۲		
۱۸	۰/۴۷		
۱۹	۰/۴۶		
۲۱	۰/۶۱		
۲۳	۰/۶۴		
۳۰	۰/۵۸		
۳۳	۰/۴۹		
۳۴	۰/۵۳		
۳۶	۰/۵۹		
۳۹	۰/۳۹		
۴۲	۰/۵۴		
۴۶	۰/۶۱		
۴۷	۰/۶۰		
۴۸	۰/۵۵		
۴۹	۰/۳۷		

		۰/۳۸	۵۰
		۰/۵۹	۵۱
		۰/۷۱	۵۲
		۰/۶۷	۵۳
		۰/۵۷	۵۷
		۰/۵۹	۵۹
		۰/۶۴	۶۳
		۰/۵۴	۶۸
		۰/۶۳	۷۰
		۰/۶۵	۷۶
		۰/۶۲	۷۷
		۰/۴۵	۷۹
		۰/۵۹	۸۰
	۰/۶۶		۷
	۰/۷۳		۱۳
	۰/۵۷		۱۵
	۰/۴۲		۲۰
	۰/۶۵		۳۱
	۰/۷۵		۴۳
	۰/۵۰		۵۴
	۰/۶۹		۵۵
	۰/۴۶		۵۶
	۰/۴۳		۶۶
	۰/۵۲		۱۰
	۰/۳۶		۱۱
	۰/۴۶		۱۶
	۰/۴۶		۲۲
	۰/۴۹		۲۵
	۰/۵۵		۲۸
	۰/۴۳		۷۸
	۰/۴۳		۸۱
۲/۸۳	۳/۱۴	۱۰/۱	ارزش ویژه
۶/۷۲	۸/۰۷	۲۱/۶۰	در صد واریانس
	۳۶/۳۹		واریانس کل

همانگونه که نتایج جدول نشان می‌دهد عامل اول (هدفمندی) با ارزش ویژه ۱۰/۱ توجیه کننده ۲۱/۶۰ درصد واریانس کل است. عامل روابط مثبت با دیگران با ارزش ویژه ۳/۱۴ توضیح دهنده ۸/۰۷ درصد واریانس کل بوده است. در نهایت عامل تسلط بر محیط با ارزش ویژه ۲/۸۳ توضیح دهنده ۶/۷۲ درصد واریانس کل بوده است. در مجموع ۳۶/۳۹ درصد واریانس مقیاس توسط این سه عامل تبیین شده است. ذکر این نکته لازم است که بعضی از گویه‌های (شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۸۲، ۸۳) به دلیل بار عاملی پایین و نامناسب حذف شدند که سایر گویه‌های باقیمانده بین سه عامل دیگر بخصوص عامل اول (عامل هدفمندی) بار گرفتند. به این صورت که گویه‌های باقیمانده مربوط به عامل رشد شخصی زیر عامل هدفمندی، گویه‌های مربوط به پذیرش خود زیر عامل روابط مثبت با دیگران و گویه‌های مربوط به استقلال زیر عامل تسلط بر محیط بار گرفتند و لذا این سه عامل بر اساس محتوای گویه‌ها هدفمندی، روابط مثبت با دیگران و تسلط بر محیط نام‌گذاری شدند. همانگونه که از مندرجات جدول برمی‌آید و با توجه به بار عاملی گویه‌ها مقیاس مذکور از روایی مطلوبی برخوردار است. بطور خلاصه می‌توان گفت مقیاس ریف در ایران بر روی دانش‌آموزان تیزهوش با حذف ۳۰ آیتم سه مولفه بهزیستی را ارزیابی می‌کند که از روایی مطلوبی برخوردار است.

به منظور تایید عامل‌های استخراج شده از مقیاس ۴۰ سوالی، تحلیل عامل تاییدی با استفاده از نرم افزار لیزرل انجام شد. مشخصات حاصل از اجرای این تحلیل برای بررسی مطلوبیت عوامل استخراج شامل مجذور کا (χ^2) شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش^۲ و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۳ مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج در جدول ۴ آمده است.

1. Goodness of fit index (GFI)
2. Adjusted Goodness of fit index (AGFI)
3. Root mean square error of approximation (RMSEA)

جدول ۴. مشخصه‌های برازش مدل

RMSEA	AGFI	GFI	NFI	CFI
۰/۰۰۴	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۶

همانطور که در جدول ۴ دیده می‌شود و با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش CFI، GFI و AGFI که بالای ۰/۹۰ می‌باشد، مدل ریف که سه عامل از آن در فرهنگ ایرانی دانش‌آموزان تیزهوش به دست آمده، از سطح برازش مطلوبی برخوردار است که این مساله نشانگر صحت نتایج تحلیل عامل با روش واریماکس است. جهت بررسی پایایی نسخه فارسی بهزیستی روانشناختی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای عامل هدفمندی، روابط مثبت با دیگران و تسلط بر محیط به ترتیب ضرایب آلفا ۰/۹۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۹ بدست آمد که این مساله بیانگر پایایی این مقیاس است. همچنین برای بررسی پایایی از روش دوباره سنجی یا بازآزمایی استفاده شد که پس از ۱۵ روز اجزای مجدد برای هدفمندی، روابط مثبت با دیگران و تسلط بر محیط به ترتیب ضرایب ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ بدست آمد که این ضرایب بیانگر پایایی این مقیاس می‌باشد.

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) در دانش‌آموزان دبیرستانی مدارس تیزهوشان بوده است که برای اولین بار ویژگی فنی نسخه فارسی در گروه دانش‌آموزان استثنایی مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی روایی مقیاس از تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی استفاده شد که نتایج بیانگر این بود که مقیاس مذکور در گروه دانش‌آموزان تیزهوشان با حذف ۳۰ آیتم سه مولفه بهزیستی را ارزیابی می‌کند که تحلیل عامل تاییدی نیز این سه مولفه را تایید می‌کند. این سه عامل تأیید شده بر اساس محتوای گویه‌ها هدفمندی، روابط مثبت با دیگران و تسلط بر محیط نام‌گذاری شدند. با توجه به بار عاملی گویه‌ها مقیاس مذکور از روایی مناسبی برخوردار است که در توجیه این نتیجه در فرهنگ ایرانی و گروه دانش‌آموزان تیزهوشان می‌توان به ذکر چند علت اشاره کرد. نخست اینکه بیشتر پژوهش‌های قبلی نشان داده بودند که عامل تسلط بر محیط، پذیرش خود و هدفمندی، همبستگی متقابل بالایی دارند؛ تا جایی که پژوهشگر با مرور

ادبیات پژوهش در این زمینه متوجه شد که بین طرفداران شش عاملی و کسانی که باور داشتند این مقیاس شش عامل را نمی‌سنجد، دایماً مناقشاتی وجود داشته و این مناقشات منجر به ارایه مقاله‌های پاسخ و جواب در سال‌های متوالی شده است. بنابراین پیدایش سه عامل طی پژوهش حاضر، با برخی پژوهش‌ها که عامل‌های گزارش شده از آنها هم‌خوانی با تعداد ۶ مولفه مقیاس اصلی ندارد، هم‌خوانی دارد (اسپرینگر و هایوسر، ۲۰۰۵؛ برنز و ماچین؛ ۲۰۰۹؛ ملتفت، ۱۳۹۰). ذکر این نکته ضروری است که وجود مناقشات بین پژوهشگران به هیچ وجه منکر ارزش این مقیاس نمی‌شود؛ بلکه باید توجه داشت که این پژوهشگران بر سر تعداد عوامل با هم بحث داشتند و همگی این مقیاس را از نظر محتوا و شاخص‌های روان‌سنجی، به عنوان ابزار مناسبی برای سنجش بهزیستی در نظر می‌گرفتند.

همچنین توجه به دست آمدن سه عامل در فرهنگ ایرانی و گروه دانش‌آموزان تیزهوش را می‌توان ناشی از وجود تفاوت فرهنگی دانست. در رابطه با عامل اول یعنی هدفمندی، که بیشترین سوالات روی آن بارگذاری شده است می‌توان این چنین تبیین کرد که بهزیستی فضیلت‌گرا، سلامت را چیزی فراتر از فزونی عواطف مثبت بر عواطف منفی می‌داند. در این دیدگاه شادی واقعی، ترکیبی از شادی و یافتن معنا در زندگی است. در این ارتباط که "شادی واقعی از نگاه فضیلت‌گرا چیست؟" می‌توان به این حکایت از سعدی اشاره کرد: "پارسایی را دیدم بر کنار دریا که زخم پلنگ داشت و به هیچ دارو، به نمی‌شد. مدت‌ها در آن رنجور بود و شکر خدای عز و جل مدام گفتی. پرسیدمش که چه می‌گویی؟ گفت: شکر آنکه به مصیبتی گرفتارم نه معصیتی...". همان‌طور که ملاحظه می‌شود این نوع بهزیستی در ادبیات ما نیز به چشم می‌خورد. همچنین کتاب‌های درسی ما بر اساس یک سری مفاهیم ارزشی انتزاعی و عینی بنا شده‌اند که تاکید زیادی بر این نوع بهزیستی دارد. به همین دلیل شاید بتوان بیان کرد که دانش‌آموزان ایرانی بر اساس آموزه‌ها، تمایز زیادی بین رشد شخصی و هدفمندی نمی‌گذارند؛ بلکه همه این‌ها را به عنوان هدفمندی و معنا در زندگی درک می‌کنند. به علاوه می‌توان بیان نمود که آموزه‌های دینی ما تاکید عمده‌ای بر هدفمندی دارند و از آنجا که دانش‌آموزان بر اساس این آموزه‌ها تربیت شده‌اند، طبیعی است که در عامل هدفمندی سوالات زیادی بارگذاری شود. مهم‌تر اینکه دامنه سنی مشارکت‌کنندگان در

پژوهش، سنین نوجوانی بوده و در این سنین افراد اهداف زیادی برای خود در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند هدفمند باشند؛ دیگر توجیه در رابطه با این که اکثر سوالات روی عامل هدفمندی بار گرفتند می‌توان به گروه مورد پژوهش که دانش‌آموزان تیزهوش بودند، اشاره کرد که در فرهنگ ایران به مسئله اینکه فرزندانشان در مدارس تیزهوشان ثبت نام شوند اهمیت زیادی می‌دهند و در این مدارس دانش‌آموزان را به داشتن اهداف متوالی و منظم در همه زمینه‌ها تشویق می‌کنند و به تبع آن خانواده‌های این دانش‌آموزان نیز می‌بایست به همین روند فرزند را هدایت کنند، در این راستا طبیعی است که اکثر سوالات روی عامل هدفمندی بار بگیرند.

در رابطه با توجیه بار گرفتن دو عامل پذیرش خود و روابط مثبت با دیگران می‌توان به عامل فرهنگی جمع‌گرا بودن فرهنگ ایرانی ارتباط داد. فرهنگ تاثیر عمیقی بر موضوع و شیوه ارتباطات دارد. مثلاً در فرهنگ آسیایی مثل ایران ادب حکم می‌کند به روشنی آنچه که افراد در فکر و ذهن خود دارند بیان نکنند، بلکه آن را با ایماء و اشاره بیان کنند. ولی در فرهنگ‌های غربی اینگونه نیست این هم یعنی تأثیر ارزش‌های در فرهنگ و اثر کل این فرآیند بر نوع ارتباطات در جامعه، که نحوه تعامل فرهنگ و ارتباطات را به خوبی مشخص می‌کند. فرهنگ‌های غربی بیشتر فردگرایانه هستند و فرد را ترغیب می‌کنند تا استعدادهای شخصی‌اش را پرورش دهد و برای خوشبختی شخصی خود تلاش کند. این تفاوت‌های مشخص در ارزش‌های مربوط به نقش در روابط اجتماعی تاثیر قابل توجهی بر شیوه ارتباطات و رسوم ارتباطی دارند. بر اساس مجموعه غنی از تحقیقات مربوط به تفاوت‌های فرهنگی و ارتباطات، فردگرایی را با تحمل بیشتر درباره عدم اطمینان تشریفات کمتر و فاصله قدرت کمتر بین مردم مرتبط می‌دانند. در فرهنگ‌های فردگرا ارتباطات بیشتر صریح و مستقیم است. در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا مثل فرهنگ ایرانی ارتباطات بیشتر ضمنی و مبهم است. بنابراین به این دلایل در جامعه ایرانی کودکان بر جمع‌گرایی و داشتن ارتباط خوب با دیگران تشویق می‌شوند (اسمیت، ۱۳۸۴؛ مک کوئیل، ۱۳۸۲ و صادقی گیوی، ۱۳۸۱). هرچند ما ایرانی‌ها به نوعی در ظاهر بر جمع‌گرایی و احترام به دیگران را تأکید می‌کنیم ولی از درون به نوعی فردگرا هستیم و می‌خواهیم به اهداف و خواسته‌های خود برسیم.

یکی از دلایلی که منجر به بار گرفتن عامل تسلط بر محیط و استقلال بر روی همدیگر شده است می‌توان نمونه پژوهش حاضر بیان کرد که دانش‌آموزان تیزهوش در پژوهش حاضر شرکت داشتند و به دلیل استعداد و توانایی بالای این افراد و به نوعی با استقلالی که محیط جامعه و خانواده‌ها به افراد تیزهوش ارائه می‌دهند، خودشان را بر محیط اطراف خود مسلط می‌دانند و به همین دلیل دو مولفه تسلط بر محیط و استقلال بر یکدیگر بار گرفتند (قدرتی، افروز، شریفی درآمدی و هومن، ۱۳۹۰؛ افروز، ۱۳۹۵).

به منظور بررسی پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. هدف از محاسبه پایایی در روش آلفای کرونباخ سنجش ثبات درونی آن است. با توجه به یافته‌های بدست آمده می‌توان بیان نمود که این مقیاس از ثبات درونی مطلوبی برخوردار است، به ویژه پس از حذف گویه‌هایی که همبستگی پایین داشتند ضریب آلفا نیز افزایش یافت. در پژوهش حاضر بالاترین ضریب آلفا مربوط به هدفمندی ۰/۹۲ بود و کمترین آن مربوط به تسلط بر محیط با ضرایب ۰/۸۹ بود. به طور کلی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) از روایی و پایایی مطلوبی در دانش‌آموزان تیزهوش برخوردار است و می‌توان از این ابزار به منظور شناسایی میزان بهزیستی روانشناختی در محیط‌های آموزشی و تربیتی برای کودکان و نوجوانان استفاده نمود. بنابراین پژوهشگران و روانشناسان مدرسه می‌توانند برای کمک به مسائل تربیتی و پژوهشی در محیط آموزشی و بالینی از این مقیاس استفاده نمایند.

منابع

اسد پور، کبری؛ حسین چاری، مسعود (۱۳۸۹). بررسی مولفه‌های معنای زندگی از منظر اسلام در کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۲(۱)، ۵۸-۶۵.

اسمیت، آلفردی (۱۳۸۴). ارتباطات و فرهنگ، ترجمه طاهره فیض، اکرم هادی زاده، مهدی بابایی اهری.

افروز، غلامعلی (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی*. انتشارات دانشگاه تهران.

صادقی گیوی، فاطمه (۱۳۸۱). «اخلاق اصالت». نشریه حوزه و دانشگاه.
قدرتی، افروز، شریفی‌درآمدی و هومن (۱۳۹۰). تبیین خلاقیت دانش‌آموزان تیزهوش بر
مبنای هوش، سن و رضامندی زناشویی والدین آنان. *فصلنامه روانشناسی افراد
استثنایی*، ۳(۱)، ۲۱-۱.
مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی. ترجمه: پرویز اجلائی.
تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
ملتنفت، قوام (۱۳۹۰). *ارائه مدلی برای بهزیستی روانشناختی با توجه به ادراک دانش‌آموزان
از والدین، همسالان و معلمان با نقش واسطه‌ای باورهای انگیزشی*. رساله دکتری
دانشگاه شیراز.

- Betts, G.T., & Neihart, M. (1988). Profiles of the gifted and talented. *Gifted child Quarterly*, 32 (2), 248-253.
- Cheng, S.T., & Chan, A.C.M., (2005). Measuring Psychological Well-being in the Chinese, *Personality and Individual Differences*, 38, (6), 1307-1316.
- Kafka, G.J. & Kozma, K., (2002). The Construct Validity of Ryff's Scales of Psychological Well-being (SPWB) and Their Relationship to Measures of Subjective Well-being, *Social Indicators Research*, 57, 171-190.
- Kim, E.S., Strecher, V. J., Ryff, C. D (2014) Purpose in life and use of preventive health care services. *Proceedings of the National Academy of Sciences*.
- Lopez, S. J., & McKnight, c. (2002). Moving in a positive direction: Toward increasing the utility of positive youth development efforts. *Prevention and Treatment*, 5, retrieved from <http://journals.apa.org/prevention/volume5/pre0050019c.html>
- Patrick, H., Knee, C. R., & Canevello, A. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: A Self-Determination Theory Perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92(3), 434-457.
- Ruin, C., & Ryff, C. D (2016). Using Eudaimonic Well-being to Improve Lives. *The Wiley Handbook of Positive Clinical Psychology*, 153-166.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2006). Living well: A self-determination theory perspective on eudaimonia. *Journal of happiness studies*, 9, 139-170.
- Ryff, C. D., & Singer, B. H. (2006). Best news yet on the six-factor model of well-being. *Social Science Research*, 35, 1103-1119.

- Ryff, C.D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1069–1081.
- Seligman, M., Zullow, M., Oettingen, G., & Peterson. C. (1988). Pessimistic explanatory style in the historical record. *American Psychologist*, 43(9), 673-682.
- Simonton, D. K., & Baumeister, R. F. (2005). Positive psychology at the summit. *Review of General Psychology*, 9, 99-102.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. J. (2002). *The handbook of positive psychology*. New York: *Oxford University Press*.
- Springer, K.W., Hauser, R.M. (2005). An assessment of the construct validity of Ryff's scales of psychological well-being: Method, mode and measurement effects. *Social Science Research*, 35, 1079–1101.
- Suldo, S.M., & Huebner, E.S. (2004 a). Does life satisfaction moderate the relationship between stressful life events and psychopathological behavior during adolescence? *School Psychology Quarterly*, 19, 93-105.
- Suldo, S.M., & Huebner, E.S. (2004 b). The role of life satisfaction in the relationship between authoritative parenting behavior and adolescent problem behavior. *Social Indicators Research*, 66, 121-145.
- Van Dierendonck, D., (2004). The Construct Validity of Ryff's Scales of Psychological Well-being and Its Extension with Spiritual Well-being. *Personality and Individual Differences*, 36, 629-643.